

آزموده را آزمودن خطاست

وحدتی که بر هیچ اصول مارکسیستی لنینیستی متکی نباشد محکوم به شکست است

درحاشیه نشست کلن ۲۲ الی ۲۴ ژوئن

در روزهای ۲۲ الی ۲۴ ژوئن ۲۰۱۲ برابر با ۲ الی ۴ تیرماه ۱۳۹۱، آنطور که منتشر شد، یک نشست تدارکاتی از احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست در شهر کلن آلمان برگزار شد.

شرکت کنندگان در این نشست اعلام کردند:

"... که ما بخشی از نیروی وسیع چپ و کمونیسم در ایران هستیم و نشست کنونی را سر آغازی برای یک تلاش مشترک وسیعتر کلیه نیروهای کمونیست و انقلابی برای نهادینه کردن همکاری ها و تبادل نظر تلقی می کنیم.

بدنبال بحثها حول چه باید کرد، نشست به توافقات زیر رسید:

۱- تشکیل یک شورای نمایندگان از جریانات مختلف با وظیفه هماهنگی فعالیتها و تدارک نشست دوم طی ماههای آتی.

۲- سازماندهی اقدامات سیاسی معین برای تقویت این روند.

نشست تاکید کرد که در فضای ملتهب سیاسی ایران و جهان برای ایجاد یک بدیل انقلابی و کارگری و سوسیالیستی تلاش می کند. هدف نشست و تبادل نظرها، در مسیر یک آلترناتیو سوسیالیستی در ایران در تقابل با رژیم جمهوری اسلامی و تهدیدات امپریالیستی و راه حل های رفرمیستی و ارتجاعی آن است.

ما نیروهای شرکت کننده در این نشست، **طبقه کارگر**، کمونیستها و نیروهای انقلابی را به همکاری و تشریک مساعی در تقویت این روند دعوت می کنیم". (تکیه از توفان است).

این سند را در بهترین حالت ۹ عدد حزب و تشکیلات حزبی. ۵ عدد نهاد، کمیته، شورا، شبکه و... سیاسی به عنوان ناظر در آن و ۱۱ عدد تشکل و یا نهادهائی که جمعی از چپ ها را که به خاطر همبستگی و یا حمایت و یا نشست مطالعاتی و... گرد آمده اند، در بر می گیرد. البته اعضاء بسیاری از نهاد ها و مجامع، اساسا خودشان همزمان اعضاء تشکلهای دیگری هم محسوب می شوند، که بار مشترکی را همزمان بدوش می کشند، به همین جهت عدد ۲۵ تا حدودی غلط انداز است و گویای واقعیت موجود نمی باشد.

این مجمع با این امضاءها، که پاره ای از آنها جریانهای تازه از راه رسیده اند و رد پائی در سابقه جنبش کمونیستی از خود باقی نگذاشته اند، "**طبقه کارگر!!!؟؟**" و... را به همکاری و تشریک مساعی در تقویت این روند فرا" می خواند. آری درست خوانده اید "**طبقه کارگر ایران**" را؟ می خوانند که به آنها ببینند. مجمعی که هنوز سر نگرفته از **طبقه کارگر ایران!!!؟؟** می خواهد که در نشست بعدی کلن شرکت کند و با آنها تشریک مساعی نماید و رهبری آنها را بپذیرد. ما از خود نمی پرسیم که آیا واقعا محل مجمع در کلن، گنجایش پذیرش "**طبقه کارگر ایران**" را بعد از مسافرت به کلن دارد یا خیر. ولی از خودمان می پرسیم که این چگونه تشکلهای کمونیستی هستند که هنوز رابطه طبقه و سازمان پیش آهنگ، رابطه حزب و توده، رابطه پیوند با طبقه کارگر و موازین اصولی وحدت کمونیستی و ماهیت رهبری و تامین سرکردگی در مبارزه طبقه کارگر و... را نمی دانند و برایشان ناروشن است. "**طبقه کارگر**" که با دعوتنامه به نشست کسی نمی رود و رهبری وی را نمی پذیرد. اگر چنین بود که مشکلات جنبش کمونیستی با دعوتنامه حل می شد، حتما کسان دیگری بودند که دعوتنامه های استخواندارتری برای "**طبقه کارگر**" بفرستند و آنها را به همکاری در ایران و نه در کلن دعوت کنند. البته اگر "**طبقه کارگر**" در نشست بعدی کلن شرکت نکرد، باید پذیرفت و اعتراف کرد، که وی رهبری این جمع را نپذیرفته است و حسابش را از آنها جدا ساخته است و ادامه فعالیت این مجمع ضروری نیست.

کسی که با سابقه جنبش کمونیستی ایران آشنا باشد، مطلع است، که این برای نخستین بار نیست که چنین تلاشها و نشستهای بی سرانجامی که بر هیچ اصول مارکسیستی لنینیستی متکی نیست و دید روشنی از همان بدو امر نداشته و برنامه معینی برای وحدت ندارد، بوجود می آید و از بین می رود. تشکیل چنین نشستهایی که نه درک روشنی از وحدت دارند و نه اصولی را برای وحدت پذیرا می باشند، از همان آغاز با شکست روبروست. ترکیب تشکیل دهندگان این مجمع، خود بهترین بیان ماهیت این مجمع است. هر چه

مضمون ایدئولوژیک و سیاسی را بی حد و مرزتر و ناروشنتر سازیم و بیان کنیم، بر تعداد "کشتگان و مردگان سوسیالیسم بی در و پیکر" افزوده می شود. هر چه بیشتر از کیفیت زده شود، کمیت می تواند افزوده شود.

این را دیگر همه می دانند که در این نشست، امضای هواداران تئوری های ارتجاعی منصور حکمت، که متحدین اسرائیل در منطقه و نافی وجود و ماهیت ارتجاعی امپریالیسم و دشمن نظریات مائو تسه دونگ هستند، در کنار امضای مائوئیستها و سایر تشکلهائی آمده است، که مدعی مخالفت با صهیونیسم و امپریالیست بوده اند و شاید هم در آینده باشند. پاره ای از این تشکلهای تجاوز به عراق و افغانستان، تجاوز به نوار غزه و لبنان را تأیید می کند، یعنی فاقد حداقل نشئه انسانی و دموکراتیک هست. بخش بزرگی از آنها حاضر نیست، تحریمهای غیر قانونی و ضد بشری امپریالیستها علیه ایران را محکوم کند. بخش مهمی از آنها در جبهه های بزرگ ضد جنگ و تجاوز بر ضد ایران شرکت نمی کند و منتظر "فرصت مناسب" هست که با تجاوز آمریکا به ایران "سوسیالیسم" من در آوردی خود را در ایران مستقر کند. بخشی از این تشکلهای به حق مسلم ایران در مسئله انرژی اتمی از منظر منافع امپریالیسم و صهیونیسم می نگرد و دخالتگری امپریالیستها و زورگویی آنها را نسبت به ایران محکوم نمی کند. آنها فقط دروغهای امپریالیستها و صهیونیستها را آنهم به عنوان "چپ" تکرار می نمایند. بخشی از آنها به سوسیالیسم در شوری، چه برسد به بروز رویزیونیسم، اعتقادی ندارد و لیبرالیسم بورژوائی را به جای سوسیالیسم نشانده است، همه آنها هراس دارند تا از ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم به دفاع برخیزند و خود را پشت واژه بی ضرر "سوسیالیسم" و یا تئوری "کثرت گرایی چپ" پنهان می کنند و...

چنین مجمعی از همان آغاز کار عقیم است و نمی تواند کمکی به جنبش کمونیستی ایران بکند. نفس این مجمع، تداوم آشفته فکری، تداوم و تأیید پراکندگی است. حقیقت این است که رنج پراکندگی و سنگلاخ بودن راه وحدت اصولی کمونیستی، توجیه گر برداشتن گامهای غیر اصولی نیست، که نتایج شکستش بسیار منفی خواهد بود. این عمل اگر ناشی از دلمشغولی نباشد ناشی از ماجراجویی نظری است. این مجمع هنوز تولد نیافته یک اطلاعیه پایانی منتشر کرد که ماهیت پیدایش این مجمع را به همگان نشان داد. حزب ما که در ابتداء قصد داشت در مورد مبانی وحدت و راه نیل به آن سخن براند، مجبور شد به ماهیت اطلاعیه سرهم بندی شده این مجمع بپردازد و آنرا بر سکوی تشریح قرار دهد تا مردم ایران ببینند که یک عده بنام چپ یا "کمونیست" چه آشی می خواهند برای آنها بپزند. برخورد انتقادی به سند "اطلاعیه پایانی اولین نشست مشترک احزاب و سازمانها و نهادهای چپ و کمونیست" بسیار مشکل است، زیرا در این سند انبوهی از مفاهیم و عقاید متناقض سرهم بندی شده است تا هم بیانگر تفاهم و هم سرپوش بر ورشکستگی این نشست باشد و هم تناقضات موجود آشتی ناپذیر را بپوشاند و هم تداوم وضع آشفته فکری و سردرگمی گذشته را در آینده نیز تثبیت کند. پاسخ به همه این موارد از حد یک مقاله خارج است.

"چپ" کیست؟ چه هویت سیاسی دارد؟ کمونیست کیست و چه کسی حق دارد امروز خود را کمونیست بنامد و در این نشست شرکت کند؟ هدف از این نشست چیست؟ ایجاد یک اتحاد عمل در مورد موضوعات مشخص و یا اتخاذ یک سیاست راهبردی جمعی برای تعیین اتحاد عملهای دائمی؟ شاید هدف این نشست تشکیل حزب واحد "طبقه کارگر" باشد که باید از وحدت کمونیستها و جریانات موجود بوجود آید؟ منظور از "وسیع ترین آزادیهای سیاسی" در جامعه سوسیالیستی چیست؟، منظور از بدیل سوسیالیسم و درک از آن چیست؟ چرا از مارکسیسم لنینیسم سخنی در میان نیست؟.

منظور از این عبارت که: "کمونیستهای ایران خود را موظف می دانند به این اوضاع پیچیده پاسخ دهند و در مورد مشخص اوضاع ایران راه حل انقلابی و کارگری را به میدان آورند" این است که در شرایط قبل از تجاوز امپریالیستها به ایران و در شرایط بعد از تجاوز امپریالیستها به ایران، کمونیستهای ایران در برنامه خود تغییری نمی دهند و یکر است و با دنده خلاص به سوی سوسیالیسم می روند؟ منظور از بدیل سوسیالیستی چیست؟ آیا این سوسیالیسم تا کنون در جهان وجود داشته و تجربه شده و یا فعالین این مجمع می خواهند سوسیالیسم جدیدی اختراع کنند که سوسیالیسم منصور حکمتی است؟ آیا برای رهبری انقلاب به سوی سوسیالیسم، به حزب واحد طبقه کارگر نیاز هست و یا با پراکندگی سازمانی و وضع آشفته کنونی هم می شود، رهبری انقلاب را در دست گرفت؟ می بینید که پرسش در پشت پرسش مطرح است، که باید در هر مورد آن به بحث پرداخت. لیکن در متن این قطعنامه عبارات دو پهلو و نا روشن برای فرار از اتخاذ موضع روشن بسیار دیده می شود که ما به آنها می پردازیم.

"نشست کلن" معترف است که کمونیستها پراکنده اند و هنوز نظر واحدی ندارند و از وحدت فرسنگها بدورند و نفس تشکیل این نشست، خود برای سر و سامان دادن به وضع کمونیستهاست. "نشست کلن" ولی، در عین حال مدعی است که ایران در "آستانه انفجار" قرار دارد و باید "سرنگونی رژیم را در دستور روز" قرار داد. برای ما این پرسش مطرح می شود، چگونه است که **انفجار ایران** بر وحدت کمونیستهای پراکنده ایران، که تازه نخستین نشست خود را برگزار کرده اند و منتظر پاسخ "طبقه کارگر" به دعوتنامه شان نشسته اند، پیشی گرفته و واکنش این کمونیستها عملاً تنها نظارت بر این انفجار است، ولی همین کمونیستهای ناظر در "ایرانی که در آستانه انفجار" است و "سرنگونی رژیم در دستور روز" قرار دارد، قادرند همزمان و همراه با تجاوز امپریالیستی، رهبری را از دست کل اپوزیسیون بورژوائی که نه پراکنده است و نه در سردرگمی بسر می برد، بدر آورند؟ اینکه چه کسی این رهبری را از چنگ اپوزیسیون بورژوائی بدر می آورد؟ بر ما معلوم نیست. ما می پرسیم: آیا همان "طبقه کارگر"ی که هنوز تصمیمش را نگرفته است منظور نظر است؟ این حکم که: "کل نیروهای اپوزیسیون بورژوائی ایران خود را آماده می کنند تا در هنگام رشد اعتراضات کارگری و توده ای به کمک قدرتهای امپریالیستی کنترل اوضاع را در دست بگیرند و نظام سرمایه داری را از تعرض انقلاب مصون بدارند" چگونه و بر چه مبنائی صادر شده است؟ آیا واقعا همه اپوزیسیون بورژوائی ایران هوادار تجاوز امپریالیستها به ایران هستند؟ منظور از این عبارت بی سر و ته چیست؟ آیا منظور این است که اپوزیسیون بورژوازی از همان بدو تجاوز با امپریالیستها همکاری می کند و می رود که قدرت سیاسی را در ایران به کف آورد؟ و یا این است که این بورژوازی نخست مخالف تجاوز است و در مقابل تجاوز استقامت می کند و تنها زمانی که با رشد اعتراضات کارگری و توده ای برای سرنگونی نظام سرمایه داری روبرو شد، مصمم می شود به امپریالیستها متکی شود؟ آیا رشد اعتراضات کارگری و توده ای در ایران به حدی است که نظام سرمایه داری ایران مورد تهدید و تعرض قرار گرفته و در آستانه سرنگونی است، تا اپوزیسیون بورژوازی ایران بیاری امپریالیسم نیاز داشته باشد؟ بورژوازی غیر اپوزیسیون در آن موقع چکار می کند؟ در مقابل امپریالیسم مقاومت می کند و یا با بورژوازی اپوزیسیون یکی می شود و "رشد اعتراضات کارگری و توده ای" را سرکوب می کند؟ شما از این همه سردرگمی در شگفت می شوید.

منظورتان از عبارت زیر چیست؟: "ما کمونیستهای ایران ماهیت نزاع و کشمکشهای بین رژیم جمهوری اسلامی و قدرتهای امپریالیستی را ارتجاعی می دانیم"؟ آیا منظورتان این است که چون رژیم ایران ارتجاعی است و امپریالیسم هم ارتجاعی است، حتما ماهیت این نزاع نیز ارتجاعی خواهد بود؟ آیا منظورتان این است که شما به علت ارتجاعی بودن ماهیت این دو رژیم در نزاع بین ارتجاعی ها شرکتی ندارید و هر دو را محکوم می کنید؟ پس نظرتان در مورد صدام حسین ارتجاعی و جرج بوش ارتجاعی چیست؟ آیا ماهیت نزاع آنها نیز ارتجاعی بود و مردم عراق باید ناظر بر صحنه می شدند و با موضعگیری "انقلابی" بی طرفی خویش را در این نزاع دو طرف حفظ می کردند؟ پس نظرتان در مورد معمر قذافی ارتجاعی و تجاوز ناتوی ارتجاعی به لیبی چیست؟ پس نظرتان در مورد تجاوز ارتجاعی صهیونیستهای اسرائیل به نوار غزه و لبنان که رهبران مقاومت در آنها دارای ایدئولوژی ارتجاعی هستند چیست؟ این مبارزات مبارزه بین دو قطب ارتجاعی است و به کمونیستها مربوط نیست؟

شما می نویسید: "دود سیاست تحریمهای اقتصادی و تهدیدات جنگی مستقیماً به چشم کارگران و مردم ایران می رود" که طبیعتاً امر درستی است، ولی شما اظهار نظری در مورد ماهیت این تحریمها که تنها مصوبه کنگره آمریکاست و قاعده خاصی برای ایران نیست، بلکه به دنیا تحمیل شده و قانونی جهانشمول است، نمی کنید. شما این سیاست تحریمها را جنایتکارانه ارزیابی نمی کنید و آنرا در نشست خود محکوم نمی کنید. آیا این اقدام شما برانگیزنده این ظن نیست که یا نشست شما در ته دل موافق تحریمهاست و یا یک یا چند نیروی تعیین کننده در نشست شما اساساً با تحریمها که رفتن دودش را به چشم طبقه کارگر موجب طغیان این طبقه برای کسب سوسیالیسم ارزیابی می کند، نظر مثبت دارند. نشست شما زورش بیش از این نرسیده است که یک عبارت دم بریده برای خالی نبودن عریضه ارائه کند و از اظهار نظر صریح طفره رود.

شما در عبارت دیگری می آورید: "کارگران و مردم ایران در این میان ضمن تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ماهیت امپریالیستی سیاست قدرتهای غربی را افشا و برملا می کنند." آیا منظور شما این است که در زمان تجاوز امپریالیستی به ایران تشکلهای حاضر در نشست کلن، فعالیتهای عملی مشخص خود، برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تشدید می کنند و

در **حرف** برای خالی نبودن عریضه، ماهیت امپریالیستی سیاست قدرتهای غربی را برملا و افشاء می کنند؟ پرسش این است که مگر قبل از تجاوز امپریالیستها به ایران شما ماهیت امپریالیستها را افشاء نمی کردید که با آغاز کشتار مردم ایران که یک مرحله کیفی دیگری است، تنها در پی افشاء امپریالیستها بر می آئید و مبارزه برای دفع امپریالیستها را تشدید نمی کنید؟ پرسش این است که چرا شما در زمان تجاوز به ایران توسط جانبان جهانی، بیکباره مبارزه برای سرنگونی را **تشدید** می کنید و قبل از این تجاوز این کار را نمی کردید؟ آیا منتظر "فرصت مناسب" و چراغ سبز امپریالیستی بودید تا رژیم را سرنگون کنید و جنگ داخلی راه بیاندازید؟

منظور از این عبارت بی سر و ته که ما آنرا تکرار می کنیم چیست؟: "**کارگران و مردم ایران در این میان ضمن تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ماهیت امپریالیستی سیاست قدرتهای غربی را افشاء و برملا می کنند.**" آیا نام بردن از "کارگران و مردم ایران" که هیچ نمایندگی به شما نداده اند و بنام آنها اظهار نظر کردن، آیا بدین معنا نیست که شما شرم دارید نظریاتی را که خودتان بدان اعتقاد دارید و آن هم همکاری روشن با امپریالیستها در زمان تجاوز به ایران است را به زبان خودتان بیان کنید و لذا آنرا از زبان "کارگران و مردم ایران" که مخالف تجاوز هستند بازگو می کنید و می خواهید نه از خودتان، بلکه از مردم ایران مایه بگذارید؟

در مورد این نشست می شود کتابها سیاه کرد. در این نشست عده ای گرد آمده اند که تنها بر سر نکات معینی توافق دارند و با عبارات دو پهلو و قابل تفسیر تلاش کرده اند بر اختلافات خویش سرپوش بگذارند. این نشست، نشست کمونیستها برای پایان دادن به پراکندگی نیست، هدفش هم این امر نبوده است. هدف این نشست نکات زیر است که اگر با صراحت به آن تکیه می کردند نه به دو پهلو گوئی نیاز بود و نه این همه تناقض و پرسش برای خواننده طرح می شد.

در متن گزارش این نشست می خوانیم: "**نشست با علم به تفاوتهای نگرشی و سیاسی، بر اشتراکات و بر همکاری های مشترک در اوضاع خطرناک کنونی تاکید کرد.**" و ما نیز بر آنچه به عنوان چکیده اشتراکات این نشست است، تکیه می کنیم.

ما گرد آمدگان در نشست کلن فهمیده و یا نفهمیده بر آنیم که به علت وجود حکومت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در ایران، کشور ایران در جهان دارای هیچ حقوقی نیست. ما حاضر نیستیم در جهان از حقوق قانونی ایران که ربطی به جمهوری اسلامی ندارد، دفاع کنیم و هیچ حقی برای کشور ایران و عضو رسمی سازمان ملل متحد برسمیت نمی شناسیم. بنظر ما ایران یعنی جمهوری اسلامی.

ما گرد آمدگان در کلن بر آنیم که تحریمهای اقتصادی بر ضد مردم ایران ماهیتی مترقی و قانونی دارد و به انجام انقلاب در ایران به طور عینی کمک می کند. به اینجهت ما با محکوم کردن آن مخالفیم و حاضر نیستیم بر ضد این تحریمها به مبارزه برخیزیم.

ما گردآمدگان در شهر کلن بر آنیم که در صورت تجاوز امپریالیستها به ایران باید از این "فرصت مناسب" استفاده کرد و مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را تشدید کرد. ما بر آنیم که ماهیت نزاع کنونی میان ایران و امپریالیستها ارتجاعی است و باید جنگ بین دو نیروی ارتجاعی را به جنگ داخلی بدل کرد.

ما گرد آمدگان در کلن معتقدیم که در زمان تجاوز امپریالیستی به ایران ما یک تنه با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی داخلی ایران و متحد امپریالیستی و سرمایه داران خارجیش، به سوی استقرار سوسیالیسم که خودمان هم بر سر ماهیت آن توافق نداریم با اعتقاد کامل پیش می رویم و این بدیل سوسیالیستی و کارگری را در ایران مستقر می سازیم.

شاید در میان نیروهائی که در این نشست گرد آمده اند عده ای باشند که به مضمون عبارات پی نبرده باشند و یا به استنتاجات از نوع عبارت پردازی ها، فکر نکرده باشند. می شود خوش بین بود و مدعی شد که آنها در این دوران ملتهد، بحرانی و قرار داشتن در آستانه جنگ و تحریم، فراموش کرده اند **تحریم اقتصادی مردم ایران را محکوم کنند** و بر ضد تجاوز و جنگ طلبی و تهدید ایران اقدامی به عمل آورند. می شود مدعی شد آنها از فرط علاقه به سوسیالیسم ایران را فراموش کرده اند، ولی باید جواب مردم ایران را بدهند. ما اعتقاد واثق داریم که آنها در نشستهای بعدی اگر اساسا وجود داشته باشند مجبورند به صراحت از تحریم و جنگ بر ضد ایران حمایت کنند.

حزب کار ایران (توفان) - تیرماه ۱۳۹۱